مطالعات تاریخ اسلام
سال دهم/ شمارهٔ ۳۸/ پاییز ۱۳۹۷

تحلیل مطالعات شیعی لویی ماسینیون، بررسی دیدگاه‌ها و روش‌ها

محمد رضا بارانی[۱]
وصال حسین اف[۲]

چکیده: لویی ماسینیون خاورشناس فرانسوی یکی از پژوهشگران برجسته و موج‌ساز در مطالعات شیعی بوده که با بهره‌گیری از روش‌های علمی، آثار و دیدگاه‌های ارزشمند و سودمندی از خود برجای گذاشته است. پرسش مهم این است که دیدگاه‌ها و روش‌های علمی لویی ماسینیون در مطالعات شیعی او چه بوده است؟ گرچه برخی دیدگاه‌های ماسینیون دارای اشکال علمی است اما مطالعات شیعی او بر پایه روش‌های علمی انجام شده است. این نوشتار در پی آن است که با بررسی دیدگاه‌ها، روش‌ها و همچنین رفتارهای همدلانه او با مسلمانان و با رویکرد توصیفی-تحلیلی به تحلیل موضع‌گیری‌ها و دیدگاه‌های ایشان و ارتباط آن با روش‌های علمی آثار او بپردازد. لویی ماسینیون در اوایل زندگی علمی خود به صیهونیسم گرایش داشته، اما در دوره‌های بعد با آشکار شدن جنایات صیهونیستها به مخالفت شدید با اسرائیل پرداخته و برای دفاع از مسلمانان ستمدیده الجزایر با دولت خود یعنی فرانسه مخالفت کرده است. او درباره برخی مسائل مانند جانشینی رسول خدا (ص)، حدیث غدیر و معنی کلمه مولی، برادری علی(ع) با پیامبر(ص) و باور به امامت در زیدیه و اسماعیلیه، همچنین در گزینشی عمل کردن بر اثر رویکرد شدید عرفانی-صوفی و یاد نکردن از مآخذ در برخی پژوهش‌ها دچار اشتباه و یا نقص علمی شده است. به نظر می‌رسد این دیدگاه‌ها با روش پدیدارشناسی او همراه و هماهنگ بوده و در حقیقت روش او به گونه‌ای همدلانه بوده است نه اینکه به پشتیبانی از دین اسلام و مذهب تشیع باور داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: ماسینیون، خاورشناسی، مطالعات شیعی، دیدگاه، روش

---

۱ استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه الزهرا س(نویسنده مسئول) m.barani@alzahra.ac.ir
۲ دانشجوی دکتری تاریخ تشیع جامعة المصطفی العالمیه، از کشور آذربایجان hus-vusal@mail.ru
تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۱ تاریخ تأیید: ۹۷/۰۴/۰۹

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

An Analysis on Louis Massignon's Perspectives and Methodologies In His Shia Studies

Mohammad Reza Barani[1]
Vesal Hossein Ouf[2]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

Abstract: Louis Massignon was a French Orientalist who is regarded among the prominent researchers in Shi'a studies. He applied scientific methodologies in his works and his valuable perspectives. The raised question of the present paper is, "What were the methodologies and perspectives that Louis Massignon applied in Shi'a studies?" Although some of his viewpoints contains scientific mistakes, his studies were all based on scientific methodologies. Louis Massignon's viewpoints, methodologies and sympathetic introspection with Muslims are analyzed in the present paper by means of a descriptive – analytical approach in order to assess his judgments and their relations with scientific methodologies of his work. Louis Massignon had tendencies toward Zionism in his early scientific works, however later on when Zionists' criminality came to the light, he started opposing them severely. Even he stood against his own country's government to support oppressed Muslims of Algeria. Massignon's works suffer from some deficiencies and mistakes on several subjects such as succession of Prophet Muhammad (PBUH), the Hadith of Ghadir and the definition of the term '*Mawla*', brotherhood between Imam 'Ali (AS) and Prophet Muhammad (PBUH) and Imamate in Zaydism and Isma'ilism. Moreover, other mistakes in some of his works included not mentioning the references and selective reading, which was because of having an extreme mystic-Sufi attitude. It seems that such viewpoints of Massignon were similar to those of his phenomenology approach. In fact, the methodology he applied was rather sympathetic introspection; he did not believe in supporting Islam and Shi'ism.

Keywords: Louis Massignon, Orientalism, Shi'a studies, perspective, methodology

1 Assistant Professor and faculty member of history departments, Alzahra University, (corresponding author), m.barani@alzahra.ac.ir
2 Phd student in history of shia in Al-Mustafa International University, hus-vusal@mail.ru

مقدمه

لویی ماسینیون فرانسوی (۱۸۸۳-۱۹۶۲م.) یکی از برجسته‌ترین خاورشناسان و اسلام‌شناسان قرن بیستم به شمار می‌رود. بسیاری از تحقیقات او مربوط به تاریخ تشیع است که *سلمان پاک*، *قوس زندگی منصور حلاج*، *مباهله در مدینه* و *جغرافیای تاریخی کوفه* از جمله آنها است.

آنچه بررسی و تحلیل مطالعات شیعی ماسینیون، دیدگاه‌ها و روش‌های علمی او را مهم و ارزشمند نموده، در مرتبه اول شخصیت علمی او به‌عنوان اسلام‌شناس بزرگ و استاد اسلام‌شناسان معروف غربی مانند کربن و اندیشمندان برجسته اسلامی همچون شریعتی و در مرتبه دوم داوری‌های ضد و نقیض درباره اوست. به همین خاطر بررسی ابعاد مختلف شخصیت علمی او بسیار مهم است و اینکه ماسینیون چه رابطه‌ای با مراکز استعماری و صیهونیستی داشته است؟ دیدگاه‌ها و روش‌های علمی او درباره تشیع چه بوده است؟ بایسته یادآوری است که نسبت‌های مختلف درباره ماسینیون، دیدگاه و روش‌های علمی او به‌گونه‌ای روشن نقد و بررسی نشده است. در این زمینه بررسی دیدگاه‌های خاص ماسینیون در همگرایی با مسلمانان، مخالفت با استعمار و صیهونیسم از یک سو و دیدگاه ایشان در زمینه تفسیر معنوی تشیع و جانشینی پیامبر(ص)، رویداد غدیر، غلو شیعیان و برادری پیامبر(ص) و علی(ع) از سوی دیگر به منظور تحلیل شخصیت علمی او بسیار راهگشا خواهد بود. همچنین بررسی روش و ساختار آثار ایشان در همین زمینه کمک خوبی خواهد کرد تا به‌گونه‌ای بتوان دیدگاه‌های متناقض درباره شخصیت او را به نتیجه رساند.

پژوهش‌هایی درباره ماسینیون انجام شده است که در این زمینه مقاله «لویی ماسینیون و علمای امامیه معاصر حلاج» نگاشته طاهره عظیم‌زاده، «از لویی ماسینیون تا هانری کربن» نوشته بهمن نامور مطلق، «لویی ماسینیون، ایران‌شناس نامدار فرانسوی» از طهمورث ساجدی، «المستشرق لویس ماسینیون؛ ما له وما علیه» از عبدالرزاق الاصفر از مهم‌ترین این نوشته‌ها است. این آثار به تحلیل دیدگاه و روش ماسینیون در مطالعات شیعی وی نپرداخته است. همچنین حسینی طباطبایی در کتاب نقد آثار خاورشناسان تنها برخی دیدگاه‌های او را نقد کرده، اما در این اثر نیز به پرسش‌های مربوط به شخصیت او و روش‌های علمی‌اش هیچ اشاره‌ای نشده است.

۱. آشنایی با شخصیت لویی ماسینیون

لویی ماسینیون تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان لویی کبیر به پایان رساند، مدرک

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

کارشناسی خود را در سال ۱۹۰۰ م. در رشته ادبیات و فلسفه و در سال ۱۹۰۱ م. در رشته ریاضیات دریافت کرد. بعد از این برای مدت کوتاهی به الجزایر سفر کرد، در سپتامبر سال ۱۹۰۳ م. خدمت نظامی خود را به پایان رساند. او همچنین در کلاسهای آلفرد لوشاتلیه (۱۸۵۵–۱۹۲۹م.) درباره جنبه‌های اجتماعی اسلام در کلژ دوفرانس نیز شرکت کرده است.[۱]

در آوریل سال ۱۹۰۵ م. بود که ماسینیون در کنگره بین‌المللی خاورشناسان در الجزیره شرکت کرد و در آن با مستشرقان بزرگی همچون گلدزیهر(۱۸۵۰– ۱۹۲۱م.) و آسین پالاسیوس(۱۸۷۱– ۱۹۴۴م.) آشنا شد. او در سال ۱۹۰۶ م. مدرک زبان عربی فصیح و عامیانه را از دانشکده زبانهای زنده شرقی گرفت و از اکتبر همان سال تا سال ۱۹۱۱ م. به عضویت انستیتوی فرانسوی آثار شرقی در قاهره درآمد. ماسینیون در کلاسهای الأزهر نیز شرکت می‌نمود و همانند گلدزیهر لباس مخصوص دانشجویان آنجا را به تن می‌کرد.[۲]

سفر به کشورهای مختلف اسلامی در بینش و دیدگاه‌های ماسینیون تأثیر شگرفی گذاشت و به تحقیقات او سمت و سو داد. او پس از سفر به مغرب و مصر، در سال ۱۹۰۷ م. طی مأموریتی به عراق سفر کرد و به کاوش در خرابه‌های قصر اخیضر[۳] پرداخت. این مأموریت به ماسینیون امکان داد تا از اماکن زیارتی و باستانی عراق دیدن کند.[۴] شاید مشاهده شهرک سلمان پاک و زیارت قبر این صحابی بزرگ رسول خدا(ص) در عراق او را واداشت تا در آن مورد تحقیق نماید.

ماسینیون با مطالعه اشعاری از عطار نیشابوری درباره منصور حلاج چنان شیفته او شد که می‌توان گفت عمده زندگانی علمی خود را به پژوهش و بررسی‌هایی درباره حلاج، تصوف و گاهی صوفیانی همچون ابن‌سبعین، ابوالحسن شوشتری و روزبهان بقلی صرف کرد.

این خاورشناس در اوایل سال۱۹۱۴ م. ازدواج کرد و سپس با آغاز جنگ جهانی اول به خدمت نظامی فراخوانده شد. او پس از خدمت نظامی پژوهش‌های خود را ادامه داد و در سال ۱۹۲۲ از رساله دکتری خود با عنوان «مصائب حلاج» در دانشگاه سوربن دفاع کرد.[۵]

---

۱ عبدالرحمن بدوی (۲۰۰۳)، *موسوعة المستشرقین*، بیروت: المؤسسة العربیة، ص۵۳۰.

۲ نجیب عقیقی [بی‌تا]، *المستشرقون*، ج۱، قاهره: دار المعارف، صص۲۶۳-۲۶۴؛ یحیی مراد (۱۴۲۵ق)، *معجم اسماء المستشرقین*، بیروت: دار الکتب العلمیة، صص۶۵۸-۶۵۹.

۳ بنایی تاریخی شامل دژ، کاخ، مسجد، حمام، خانه‌های مسکونی و غیره، واقع در صحرای «وادی عبید» عراق در ۴۰ کیلومتری جنوب غرب کربلا که به دوره قبل از اسلام یا سده‌های نخستین اسلامی مربوط می‌شود.

۴ بدوی، همان، ص۵۳۱.

5 J. Waardenburg (?), "Massignon, Louis", *The Encyclopedia of Religion,* Vol. 9, New York: Macmillan, p278.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

ماسینیون همچنین استاد کرسی جامعه‌شناسی اسلامی در کلژ دوفرانس در سال‌های ۱۹۱۹–۱۹۵۴ م. و متصدی کرسی اسلام‌شناسی بخش علوم دینی در مؤسسه مطالعات عالی سوربن در سال‌های ۱۹۳۲–۱۹۵۴ م. بود.[۱] او عضو فرهنگستان زبان عربی از آغاز تأسیس آن، یعنی سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۵۶ م. بود. ماسینیون در سال ۱۹۱۹ م. سردبیری *مجله جهان اسلام*[۲] را که از سال ۱۹۰۸ م. مقالات خود را در آن منتشر می‌کرد، برعهده گرفت و در سال ۱۹۲۷ م. مدیر آن مجله گردید.[۳]

خاورشناس برجسته، گلدزیهر، بر ماسینیون تأثیر زیادی گذاشت. او در دهه دوم قرن بیستم در پانزدهمین کنگره خاورشناسان در کپنهاگ برای بار دوم با گلدزیهر دیدار کرد. سنوک هورگرونیه(۱۸۷۵– ۱۹۳۶م.) و سیلون لوی(۱۸۶۳– ۱۹۳۵م.)، از خاورشناسان معروف نیز از استادان ماسینیون به شمار می‌روند.[۴]

هانری کربن از مهم‌ترین شاگردان ماسینیون جانشین او در کرسی اسلام‌شناسی دانشگاه سوربن شد. کربن هنگامی که دانشجوی رشته فلسفه بود، به حوزه شرق‌شناسی وارد شد و کم‌کم با سهروردی آشنا گردید و ماسینیون نسخه‌ای از چاپ سنگی *حکمت‌الاشراق* را که در یکی از سفرهای خود از ایران آورده بود، در اختیار او گذارد.[۵] در نتیجه ارتباط این دو اندیشمند دستاوردهایی داشت و بر بسیاری از شیعه‌پژوهان غربی اثرگذار شدند.

در کنار تدریس و پژوهش، عضویت در انجمن‌هایی مانند انجمن خاورشناسان آلمان، انجمن شرقی آمریکایی، فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی، فرهنگستان‌های سوئد، دانمارک، اسپانیا، هلند، بلژیک، افغانستان و ایران،[۶] فرهنگستان زبان عربی، ریاست کمیته عفو محکومان سیاسی، ریاست انجمن دوستداران گاندی در فرانسه از فعالیتهای ماسینیون بود و در استقلال الجزایر از مسلمانان الجزایر حمایت کرد و در نتیجه دستگیر و زندانی شد.[۷]

اولین سفر ماسینیون به ایران در ۴۷ سالگی بود و در سال ۱۹۳۰ م. بعد از شرکت در یک

---

۱ لوئی ماسینیون [بی‌تا]، *سلمان پاک*، ترجمهٔ علی شریعتی، مشهد: [بی‌نا]، ص۴۷.

۲ این مجله در سال ۱۹۲۷ به مجله *مطالعات اسلامی* تبدیل شد.

۳ بدوی، همان، ص ۵۳۳.

۴ عقیقی، همان، ج۱، ص۲۶۳؛ مراد، همان، ص۶۵۸.

۵ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۴۸.

۶ محمد معین (۱۳۷۶)، *فرهنگ فارسی* (متوسط)، ج۶، تهران: امیر کبیر، ص۱۸۷۹.

7 А. А. Журавский (1990), *Христианство и ислам: социокультурные проблемы диалога,* retrieved from: www.sfi.ru; www.catholic.uz.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

کنگره خاورشناسی در باکو وارد ایران شد. در سال ۱۹۴۰ م. ماسینیون به عضویت فرهنگستان ایران انتخاب شد، ولی این کار به علت جنگ جهانی دوم به صورت رسمی در سال ۱۹۴۵ م. انجام شد و در همان دوره استاد افتخاری دانشگاه تهران شد. همچنین وی در آوریل سال ۱۹۵۴ م. همراه با شاگرد و همکارش هانری کربن در هزارمین سالگرد ابن‌سینا در تهران شرکت کرد.[۱]

ماسینیون، خاورشناس و اسلام‌شناس فرانسوی در تاریخ اسلام ۳۱ اکتبر ۱۹۶۲م. از دنیا رفت[۲] و سفارش کرده بود خبر مرگش را پنهان کنند و خانواده‌اش سه روز بعد، خبر مرگ او را به دوستان نزدیکش اطلاع دادند. ماسینیون وصیت کرده بود تا جنازه او را تشییع نکنند، برایش مراسم نگیرند و جز خویشاوندان نزدیکش کسی در تدفین او شرکت نکند.[۳]

۲. بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها

ماسینیون خاورشناس و محققی تیزبین در تاریخ اسلام بود که سال‌ها با مسلمانان زندگی کرد، از آنان علم آموخت، به انباشت دانش آنان یاری رساند و اندیشمندان بزرگی را پرورش داد. او دانشمند دلسوزی بود که در برابر مشکلات جهان اسلام بی‌اعتنا نماند و به‌گونه‌ای از آنان پشتیبانی کرد. از سوی دیگر دیدگاه‌های او ریشه و سر نخ بسیاری از تحلیل‌ها و برداشت‌های خاورشناسان و شیعه‌پژوهان دیگر شده است و به نظر می‌رسد می‌توان او را به‌عنوان خاورشناسی کلیدی و موج‌ساز شناخت. گرچه بسیاری بر همدلی او با مسلمانان و سودمندی آثار او تأکید دارند؛ اما گمان می‌رود جایگاه او دوسویه بوده است و به همین خاطر دیدگاه‌های ماسینیون هم برای جهان باختر و هم برای جهان خاور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گفتنی است که در یک نوشته کوتاه بررسی همه دیدگاه‌های یک خاورشناس پرکاری مانند او شدنی نیست و در این نوشتار تنها مهم‌ترین دیدگاه‌های ماسینیون درباره تاریخ و اندیشه شیعه که بتواند هندسه حاکم بر اندیشه و روش او را نشان دهد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. ۱. همگرایی با اسلام و مسلمانان

ماسینیون به‌عنوان یک مستشرق و اسلام‌شناس از جوانی با اسلام و مسلمانان آشنا شد، در مؤسسه‌های مختلف علمی مانند دانشگاه قدیم مصر تدریس کرد و در آنجا چهل سخنرانی علمی

---

۱ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۴۹.

2 Waardenburg, *ibid*, p279.

۳ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۴۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

به زبان عربی درباره تاریخچه اصطلاحات فلسفی داشت. دکتر طه حسین از دانشجویانی بود که در این جلسات از نبوغ علمی او بهره برد.[۱] دکتر علی شریعتی از شاگردان ماسینیون بود، از او بسیار ستایش می‌کرد و او را انسانی بزرگ و اسلام‌شناس بزرگوار می‌نامید.[۲]

ماسینیون تا ۲۵ سالگی به دین پایبند نبود و به خوشگذرانی می‌پرداخت و خودش بعدها آن دوره را «دوره جهنم» می‌نامید. در ۲ می سال ۱۹۰۸م. در کشتی‌ای بر روی دجله خودکشی کرد و خاندان آلوسی بغداد که قبلاً نیز حمایتهای فراوانی از او کرده بودند، او را درمان نمودند. ماسینیون در ۸ می پس از بهبودی در زندگی خود تغییر روش داد. شاید به‌خاطر کمک‌های آلوسیان او همواره خود را مدیون مسلمانان می‌دانست. در هر حال، این خودکشی ناموفق زندگی او را دگرگون کرد و از گناهان خود توبه کرد و به گمان برخی اسلام را به‌عنوان دینی سماوی و محمد(ص) را به‌عنوان رسول خدا پذیرفت.[۳]

ماسینیون با آغاز جنگ جهانی اول در ۳۱ سالگی برای دومین بار به خدمت نظامی فراخوانده شد و به‌عنوان افسر نیروهای مسلح فرانسوی درآمد و در جنگهای زیادی از جمله جنگ داردانل و بیت‌المقدس در برابر مسلمانان شرکت کرد.[۴] به نظر می‌رسد این همکاری‌ها از وظایف مستشرقان آن زمان بوده و به‌ویژه که ماسینیون به دلیل آشنایی با زبان، جغرافیا، تاریخ و فرهنگ مسلمانان ناگزیر به این گونه همراهی‌ها بوده است. گرچه او از پیروان مخلص کلیسای کاتولیک بود و تا آخر عمر نیز چنین ماند، ولی تمایل و احترام او نسبت به اسلام بسیار ارزشمند است. اما گفتنی است که اگر ماسینیون مسیحی متعصبی بود، باید از سلمان متنفر می‌شد؛ زیرا سلمان، مسیحیت را ترک کرده و به اسلام گرویده بود، در حالی که هم در این مورد و هم در مواردی دیگر هیچ‌گاه چنین نبوده است.

پس اگرچه ماسینیون کاتولیکی متعصب بود، اما احترام او به اسلام و رسول خدا(ص) و اهل بیت(ع) نیازمند تأمل است. یکی از جمله‌های او در این باره چنین است: «اسلام دین جامعی است که به سنت‌های تمام پیامبران پیشین احترام می‌گذارد».[۵] ارادت او به *قرآن* نیز در برخی

---

۱ بدوی، همان، صص۵۳۱-۵۳۲؛ عقیقی، همان، ص۲۶۵.

۲ علی شریعتی (۱۳۸۲)، *زن*، تهران: چاپخش، ص۶؛ علی شریعتی (۱۳۸۵)، *مجموعه آثار*، ج ۱۳، تهران: چاپخش، صص۳۴۷-۳۷۷، ۶۳۲-۶۳۳.

3 A. Y. Özemre (2004) *Din və Misyonerlik,* Üsküdar, retrieved from: www.ozemre.com, pp85-86.

۴ بدوی، همان، ص۵۳۲.

۵ لوئی ماسینیون (۱۳۸۱)، *قوس زندگی منصور حلاج*، ترجمهٔ عبد الغفور روان فرهادی، تهران: عرفان، ص۲۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

آثارش آشکار است و در یکی از نامه‌های خود به هانری ماسه، ایران‌شناس فرانسوی این آیه *قرآن* را نوشته بود: [۱] ﴿لَن يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ﴾.[۲]

همچنین ماسینیون در اندیشه وحدت بخشیدن میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف و پایان دادن به اختلاف و درگیری آنان بود. او به دوستی اسلام و مسیحیت امیدوار بود و همواره در این زمینه تلاش می‌کرد. تحقیقات او درباره اصحاب کهف، سلمان فارسی، منصور حلاج، زهرا(س) و شباهت‌های او با مریم(ع)، مباهله رسول خدا(ص) با مسیحیان و دیگر مسائل را می‌توان در این چارچوب ارزیابی کرد. او این دو دین را از یک منبع می‌دانست و باور داشت برای وحدت میان آن دو باید به جنبه‌های معنوی و عرفانی آنها توجه کرد، پیروان آنها روزه‌های مشترک بگیرند و اماکن مقدس مشترک، همانند اصحاب کهف را زیارت کنند.[۳] ماسینیون در وصیتنامه علمی خود به کربن، از او می‌خواهد که تحقیقات او را درباره فاطمه(س) به پایان برساند و تصریح می‌کند که این کار باعث وحدت در میان تشیع و تسنن، همچنین اسلام و مسیحیت خواهد بود.[۴] شاید منظور او برجسته کردن نقاط مشترک و مشابه بین مریم و فاطمه، همچنین توجه دادن به آن است که فاطمه برای همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی مقدس است و محبت آن بانو می‌تواند باعث وحدت بین مسلمانان باشد. گرچه خواسته او توسط کربن انجام نشد، اما شاگرد ایرانی‌اش علی شریعتی، نه آن‌گونه که مورد توجه ماسینیون بود، این کار را انجام داد. بنابرآنچه گذشت، تردیدی نیست که ماسینیون ارتباطی دوستانه و همگرایانه با اسلام و مسلمانان داشته است.

۲.۲. مخالفت با استعمار

در مورد مطالعات اسلامی و شیعی ماسینیون از سوی اندیشمندان قضاوت‌های مختلف و گوناگونی مطرح شده است. به نوشته دکتر محمد دسوقی، ماسینیون از خطرناک‌ترین خاورشناسان فرانسوی است که به اسلام و مسلمانان اسائه ادب کرده است.[۵] برخی دیگر نیز او را از مستشرقان متعصب و دارای انگیزه‌های سیاسی و استعماری دانسته‌اند و معتقدند که کارش به منظور مشورت‌دهی به نیروهای ضداسلامی فرانسه در شمال آفریقا بوده است.[۶]

---

۱ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۴۳.

۲ قرآن کریم، سورهٔ جن، آیهٔ ۲۲.

3 Özemre, *ibid*, p84.

4 *Ibid*, p. 93.

۵ محمد دسوقی (۱۳۷۶)، *سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه خاورشناسی*، ترجمهٔ محمود رضا افتخارزاده، تهران: هزاران، ص۱۰۹.

۶ *الموسوعة العربیة العالمیة*(۱۴۱۹ق)، ج۱، ریاض، مؤسسة اعمال الموسوعة، صص۷۱۲-۷۱۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

بدبینی نسبت به ماسینیون به متفکران اهل سنت اختصاص ندارد، آیت‌الله صافی گلپایگانی از مراجع تقلید جهان تشیع نیز او را مأمور وزارت مستعمره فرانسه می‌نامد که برای تجزیه و تفرقه ملل عرب، متروک کردن لغت قرآن و بیگانه کردن مسلمانان از منطق و هدایت‌های آن سعی می‌کرد.[۱]

گرچه نویسندگان گروه دوم دلیلی برای اثبات ادعاهای خود در زمینه جاسوسی ارائه نکرده‌اند. سیاست‌های قاره اروپا در سه سده اخیر همواره بر استعمار و استثمار ملت‌های عقب‌مانده، به ویژه جهان اسلام استوار بوده است، ولی نمی‌توان همه خاورشناسان را ابزار دست قدرتهای استعمارگر دانست، گرچه شواهدی در زمینه همکاری ماسینیون با مراکز استعماری و نیروهای مسلح فرانسه و روابط او با بنیانگذاران رژیم صیهونیستی وجود دارد. اما اینها نمایانگر همه شخصیت ماسینیون نیست. شخصیت ماسینیون پس از تشکیل رژیم صیهونیستی در سال ۱۹۴۸ م. و شدت یافتن سیاست خشونت‌آمیز فرانسه در الجزایر به‌گونه‌ای است که این شواهد را رد می‌کند؛ زیرا او حدود ۱۲-۱۴ سال از مسلمانان و قربانیان دیگر استعمار اروپا دفاع می‌کند.

شاگردان مسلمان ماسینیون که بعدها از اندیشمندان بزرگ جهان اسلام شدند، با صمیمی‌ترین احساسات درباره استاد خود حرف می‌زنند. علی شریعتی گزارش می‌دهد که ماسینیون با همه ضعف و سالخوردگی، روزهای یکشنبه با دست و دامنی پر از میوه و شیرینی به سراغ زندانیان مسلمان زندان «فرن» در دو فرسخی پاریس می‌رفت، از اسیران غریب الجزایری دیدار می‌کرد و آنان را در جنگ در برابر فرانسه یعنی کشورش تشویق می‌کرد. او همواره نگران سرنوشت ملت‌های ضعیف مسلمان بود و قلم پرتوانش همچون شمشیر قهرمانان صدر اسلام در برابر اتهامات کشیشان و سیاستگران مغرض غربی از حقیقت اسلام و حیثیت شرق دفاع می‌کرد.[۲]

به نوشته ژوراوسکی، اسلام‌شناس معاصر روسی در کتاب *مسیحیت و اسلام: مشکلات اجتماعی-فرهنگی گفتگو*، ماسینیون به دنبال صلح میان مسلمانان و اروپاییان بود و وابستگی مذهبی‌اش نه تنها او را از این کار منع نمی‌کرد، بلکه او را به میدان فعالیت سیاسی هم می‌کشاند. او معترض مجازات‌های سیاسی در تونس و الجزایر بود و خواهان بخشش زندانی‌های در راه استقلال می‌شد. ماسینیون به‌خاطر اعتراض به جنگ در الجزایر دستگیر و به مدت چند روز

۱ لطف‌الله صافی گلپایگانی (۱۳۷۵)، *پاسخ ده پرسش*، قم: حضرت معصومه، ص۷۵.

۲ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۲۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

زندانی شد. او در مورد درگیری بین تمدن معاصر غربی و جامعه‌های سنتی اسلامی زنگ خطر را به صدا آورد تا مسلمانان حیثیت خود را از دست ندهند و برخلاف بسیاری از مستشرقان و متفکران، فکر می‌کرد که آینده مسلمانان به رجوع به سنتهای ابراهیمی، توان بازسازی الگوهای معنوی و فرهنگ اصلی آنان وابسته است. اروپاییان که پاسخگوی تخریب این فرهنگ و الگوها هستند، موظف‌اند تا در بازسازی آنان نیز کمک کنند.[۱]

باید دانست سیاست استعمارگران این بوده که مسلمانان را از گذشته و هویت خود جدا سازند و به عنصری بی‌ریشه تبدیل کنند و ماسینیون نیز درست روی همین نکته تأکید می‌کند، مسلمانان را به دفاع از هویت خود فرا می‌خواند و اروپا را در تخریب فرهنگ اسلامی مقصر می‌داند. او همچنین در مقاله‌ای در سال ۱۹۵۱م. نقش دانشمندان ایرانی قرون وسطی را در شکوفایی تمدن غرب «با آوردن نمونه‌های دقیق» روشن می‌سازد، از خدمات آنان به اسلام و زبان عربی تجلیل می‌کند و استفاده آنان از زبان عربی را اصلاً تأسف‌آور نمی‌داند.[۲]

۲. ۳. مخالفت با صیهونیسم

یکی دیگر از مسائل بحث‌برانگیز در کارنامه ماسینیون، گرایش‌های صیهونیستی او در دوره قبل از اشغال فلسطین و تشکیل اسرائیل است. این گرایش‌ها را در محاضره او در پاریس در سال ۱۹۲۱ م. با عنوان *صیهونیسم و اسلام* نیز می‌توان دید.[۳] شاید به همین خاطر ماسینیون از سوی برخی به‌عنوان عامل صیهونیسم معرفی شده است.[۴] برخی نیز معتقدند که او بدون شک از سال ۱۹۱۷، زمانی که در اورشلیم با چیم ویزمن (۱۸۷۴– ۱۹۵۲م.)، رهبر صیهونیسم و اولین رئیس‌جمهور رژیم صیهونیستی ملاقات کرد، صیهونیست بوده و علاقه او به صیهونیسم با آشنایی او با آرون آرونسون (۱۸۷۶– ۱۹۱۹م.)، یکی دیگر از بزرگان آن و مؤسس سازمان مخفی «نیلی» تشدید شده است.[۵] اما نباید از نظر دور داشت که گرایش‌های او در دوره پیش از اشغال فلسطین به دست یهودی‌های صیهونیست است. دوره‌ای که دولتی به نام اسرائیل تشکیل

---

1 Журавский, *ibid*.

۲ لوئی ماسینیون (۱۳۹۲)، «نقش فرهنگ ایرانی در شکوفایی تمدن غرب»، ترجمهٔداریوش شایگان، *مجله بخارا*، ش۹۴، صص۳۳-۵۲.

3 L. Massignon (March 1921), Lecture "Zionism and Islam", Paris Sociological Society, retrieved from: www.bcrfj.revues.org.

۴ یاسر متولی (۱۳۸۹)، «عرصه‌های عملکرد صهیونیزم بین الملل»، *شمیم معرفت*، ش ۲۵، ص۱۵۷.

5 A. Mayeres (?), *Massignon and Zionism*, Translated by Helga Abraham, retrieved from: www.bcrfj.revues.org.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

نشده و هنوز خبری از جنایات و قتل عام‌های مسلمانان نیست و بسیاری از روی ترحم به یهودیان به اصطلاح مظلوم دل می‌سوزانند. بعید نیست که فرد انسان‌دوستی مثل ماسینیون در چنین شرایطی از ضرورت بازگشت یهودی‌ها به فلسطین و تشکیل دو دولت مسلمان و یهودی حرف بزند و به زندگی مسالمت‌آمیز آنان امیدوار شود. اما با توجه به شواهدی که می‌آید، می‌توان گفت او در دوره بعد و پس از تشکیل رژیم صیهونیستی، طرفدار فلسطینیان گردیده باشد. همچنین هیچ دلیل و شاهدی وجود ندارد که گرایش‌های صیهونیستی او در اوایل تأثیری بر پژوهش‌هایش گذاشته باشد.

ماسینیون از آغاز جنایات صیهونیستها در فلسطین در سال ۱۹۴۸م، نظر خود را درباره صیهونیسم تغییر داد و از آوارگان مسلمان حمایت کرد.[1] او به سیاست‌های استعماری دولت‌های غربی در ممالک اسلامی که بی‌شک مورد تأیید مراکز بین‌المللی صیهونیستی بود، اعتراض می‌کرد و به‌ویژه از آغاز دوره بازنشستگی خود در سال ۱۹۵۴ م. تا زمان مرگش در سال ۱۹۶۲ م. به صورت فعال‌تر از قربانیان زور و خشونت در الجزایر و فلسطین دفاع می‌نمود.[2]

او با رهبران سیاسی و دینی کشور خود و جهان عرب مکاتبه می‌نمود و برای استقلال مردمان خاور نزدیک به دنبال راه حل می‌گشت. ماسینیون به‌صورت جدی به دستگیری‌های گسترده سیاسی در ماداگاسکار اعتراض کرد و در سال ۱۹۴۸ موضع کشورهای غربی را در مورد بحران فلسطین محکوم نمود.[3]

۲. ۴. تفسیر معنوی مسئله جانشینی و غدیر

در میان آثار مستشرقان پژوهش‌های منصفانه قابل توجه درباره تشیع کم است. اما ماسینیون از دانشمندانی است که علاقه خاصی به تاریخ تشیع و شخصیت‌های مهم آن نشان داد. او در موارد متعددی به جانشینی واقعی رسول خدا(ص) اشاره کرد. او سلمان را پس از مرگ پیامبر(ص) دوست وفادار خاندانش، یعنی علی(ع) می‌داند و تصریح می‌کند که سلمان از حقوق مشروع و پامال شده آنان دفاع می‌کرد.[4] ماسینیون معتقد بود که شاهدان و امضاکنندگان قرارداد سیاسی میان پیامبر(ص) و مسیحیان نجران جانشینان واقعی و حقیقی محمد(ص) بودند. آنان آل

1 C. Destremau & J. Moncelon (2005) Louis Massignon, le "cheikh admirable", Paris, Le Capucin, retrieved from: http://www.weekly.ahram.org.eg.
2 Waardenburg, *ibid*, p278.
3 Журавский, *ibid*.
۴ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۷۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

محمد(ص)، یعنی فاطمه، حسن، حسین و علی بودند که سخنگو و جانشین پیامبر اسلام محسوب می‌شدند و در تعبیر قرآنی مباهله، صریحاً ابدال محمد(ص) معرفی گردیده‌اند.[۱]

باید توجه داشت که ماسینیون اگرچه علی(ع) و اهل بیت(ع) را مظلوم می‌دانست و آنان را بهترین نامزد برای خلافت سیاسی تلقی می‌کرد، ولی منظور او از جانشینی پیامبر، جانشینی معنوی است، نه به آن معنی که شیعیان معتقدند. در نتیجه در کتاب *سلمان پاک* می‌نویسد که پس از حادثه مباهله، محبتی که برخی از دوستان محمد(ص) نسبت به پنج تن داشتند، به یک تقدس عاشقانه تبدیل شد. ماسینیون باور دارد که همان یاران پیامبر و همچنین سلمان که مسئله احقیت علی(ع) به خلافت را حتی قبل از ابوذر و عمار مطرح کرد، قرابت خونی اهل بیت(ع) با رسول خدا(ص) را به نوعی جانشینی رسمی تبدیل کردند. او با تأثیرپذیری از نویسندگان غیرشیعی و مستشرقان قبل از خود می‌نویسد این گروه از یاران پیامبر پس از رحلت او همه امیدی را که به عدالت داشتند در وجود اهل بیت(ع) می‌دیدند، اما خود علی(ع) تا شورش خوارج، شکل یک رهبر حق الهی را به خود نگرفت.[۲] این در حالی است که آیات متعدد *قرآن کریم*، از جمله آیات ولایت[۳] و اولی الأمر[۴]، همچنین احادیثی که در منابع اولیه شیعه و سنی آمده، از جمله حدیثهای غدیر،[۵] منزلت[۶] و ثقلین[۷] دلایلی بر ولایت قضایی و سیاسی و مرجعیت علمی علی(ع) اقامه شده است. همچنین خود آن حضرت از زمان رحلت رسول خدا(ص) به رهبریت الهی و خدادادی خود توجه کامل داشته و در این راستا اقداماتی هم انجام داده است.[۸]

ماسینیون در جایی درباره حدیث غدیر می‌نویسد «مولی» در عبارت مشهور پیامبر اسلام(ص) فقط «وصی مشرف بر موالی من» معنی می‌دهد.[۹] به نظر می‌رسد او در این باره همه

---

۱ لوئی ماسینیون (۱۳۷۸)، *مباهله در مدینه*، ترجمهٔ محمود رضا افتخارزاده، تهران: رسالت قلم، ص۷۳.

۲ ماسینیون، *سلمان پاک*، صص ۱۵۰-۱۵۲.

۳ *قرآن کریم*، مائده، ۵۵.

۴ قرآن کریم، نساء، ۵۹.

۵ محمدبن‌یعقوب‌کلینی (۱۳۶۳)، *الکافی*، ج۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ص۲۸۹؛ محمدبن‌یزیدبن ماجه (۱۴۰۳ق)، *سنن ابن ماجه*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، ج۱، بیروت: دارالفکر، ص۴۳، ح۱۱۶، ص۴۵؛ محمدبن‌عیسی‌ترمذی (۱۴۰۳ق)، *سنن الترمذی*، تحقیق عبدالرحمن محمدعثمان، ج۵، بیروت: دارالفکر، ص۲۹۷، ح۳۷۹۷.

۶ کلینی، همان، ج۸، ص۱۰۷؛ محمدبن‌اسماعیل بخاری (۱۴۰۱ق)، *صحیح البخاری*، بیروت: دار الفکر، ج ۴، ص۲۰۸ و ج ۵، ص۱۲۹؛ مسلم‌بن‌حجاج نیشابوری [بی‌تا]، صحیح المسلم، ج۷، بیروت: دار الفکر، صص ۱۲۰-۱۲۱.

۷ محمدبن‌علی‌بن‌حسین‌بن‌بابویه صدوق (۱۴۱۷ق)، *الامالی*، قم: مؤسسة البعثة، صص ۵۰۰، ۶۱۶؛ مسلم نیشابوری، همان، ج۷، ص۱۲۳.

۸ محمد سیدرضی (۱۴۱۹ق)، *نهج البلاغه*، ایران: ستاره، خطبه ۴، ۶، ۲۶، ۷۴، ۲۰۲؛ احمدبن‌یحیی بلاذری (۱۴۱۷ق)، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج۲، بیروت: دارالفکر، صص۲۶۸-۲۶۹.

۹ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۱۳۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

جوانب مسئله را بررسی نکرده و تحلیل نادرستی ارائه نموده است. البته باید پذیرفت رسول خدا(ص) در انتخاب این واژه که لفظی مشترک بین ده معناست[۱] عمد داشته و آن را با الفاظ واضح‌تری توضیح نداده است و شاید بتوان گفت نگرانی او در ابلاغ این دستور از ظاهر آیه تبلیغ[۲] نیز مشهود است. به همین خاطر است که سید مرتضی، از متکلمان برجسته تشیع حدیث غدیر را نص خفی بر ولایت بلافصل علی(ع) دانسته است.[۳] اما در هر حال، با توجه به شواهدی مانند: (۱) لحن آیه تبلیغ که مهم و خطرناک بودن مسئله را بیان می‌کند و به تأیید منابع، در روز غدیر نازل شده است؛ (۲) مکان و کیفیت ایراد حدیث که بر اهمیت آن می‌افزاید؛ (۳) مقدمه رسول خدا، به ویژه قرائت آیه «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر (شایسته‌تر در امور دین و دنیا) است»؛[۴] (۴) شعر حسان‌بن‌ثابت که کلمه «امام» را نیز ذکر کرده؛[۵] و (۵) استشهاد و احتجاجات علی(ع) به حدیث غدیر و دیگر مسائل، روشن می‌شود منظور پیامبر(ص) چیزی جز جانشینی او در امور دین و دنیا نبوده است.

۲. ۵. نپذیرفتن برادری پیامبر(ص) با علی(ع)

یکی دیگر از دیدگاه‌های ماسینیون، نظر او درباره برادری و مؤاخات میان پیامبر(ص) و علی(ع) است. او با تصریح بر واضح بودن اینکه روابط بین آن دو حتی قبل از ازدواجش با فاطمه(س) بیشتر و نزدیک‌تر از روابط دو برادر بود، اما در مسئله مؤاخات بر این باور است که علی(ع) با سهل‌بن‌حنیف پیمان برادری بست.[۶]

مرجع اصلی ماسینیون در این ادعا ابن‌سعد است. در حالی که خود ابن‌سعد پیش از این گزارش با ذکر دو روایت برادری علی(ع) با پیامبر(ص) را آورده است.[۷] علاوه بر این، خود ابن‌سعد در جای دیگر کتابش،[۸] همچنین منابع مهم دیگر ضمن گزارش حادثه مؤاخات، برادری

---

۱ محمدبن‌محمد مفید (۱۴۱۴ق)، *أقسام المولی فی اللسان*، تحقیق مهدی نجف، بیروت: دار المفید، صص۲۷-۴۳.
۲ *قرآن کریم*، مائده، ۶۷.
۳ علی‌بن‌حسین‌سید مرتضی (۱۴۰۵ق)، *رسائل المرتضی*، ج۱، قم: دار القرآن الکریم، ص۳۳۹.
۴ *قرآن کریم*، احزاب، ۶.
۵ محمدبن‌محمد مفید، (۱۳۸۳)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ترجمه و شرح محمد باقر ساعدی خراسانی، ج۱، ایران: اسلامی، ص۱۷۷.
۶ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۱۵۰.
۷ محمد بن‌سعد [بی‌تا]، *الطبقات الکبری*، ج۳، بیروت: دار صادر، ص۲۲.
۸ همان، ج۳، ص۶۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

علی(ع) با پیامبر(ص) را یادآوری کرده‌اند.[۱] شاید علت اشتباه ماسینیون آن است که او خود به سراغ منابع نرفته و به تحقیقات سارازن در این باره اعتماد نموده است. در هر حال، ماسینیون به رابطه عمیق معنوی پیامبر(ص) و اهل بیت او و ستایش‌های فراوانش درباره علی(ع) توجه دارد و اعتراضات لامنس در این مورد را بی‌پایه می‌داند.[۲]

۶.۲. نسبت دادن انکار رخداد غدیر به زیدیه و اسماعیلیه

به ادعای ماسینیون، زیدیه منکر غدیر خم هستند و اسماعیلیه آنچه در آنجا رخ داد را یک عمل نابهنگام می‌دانند. اما واقعیت آن است که زیدیه نه تنها منکر غدیر نیستند، بلکه این حدیث را شاهدی برای نص بر ولایت و امامت علی(ع) می‌دانند. به‌عنوان نمونه، قاسم‌بن‌ابراهیم رسی (وفات ۲۴۶ق.)، از بزرگان زیدیه کتابهای مستقلی برای اثبات ولایت علی(ع) به‌عنوانهای *تثبیت الامامة لأهل بیت النبی(ص)*، *الکامل المنیر فی اثبات ولایة امیر المؤمنین علی‌بن‌ابی طالب(ع)* و *الامامة* نوشته و در آنها برای این منظور به حدیث غدیر تمسک کرده است. هادی الی الحق یحیی‌بن‌حسین (وفات۲۹۸ق.)،[۳] محمدبن‌سلیمان کوفی (وفات۳۰۰ق.)[۴] و دیگر رهبران و دانشمندان زیدیه نیز حدیث غدیر را به‌عنوان دلیل بر امامت و خلافت بلافصل علی(ع) پذیرفته و در آثار خود به آن استشهاد کرده‌اند.[۵]

در میان دانشمندان مهم و متقدم اسماعیلیه نیز کسی نیست که غدیر را کاری نابهنگام بداند، بلکه آنان نیز در اثبات ولایت علی(ع) و به تبع از آن برای اثبات حقانیت فرقه خود به حدیث غدیر تمسک کرده‌اند. قاضی نعمان (وفات۳۶۳ق.)، دانشمند برجسته اسماعیلیه در موارد متعددی از آثار خود با افتخار از این حدیث یاد می‌کند و آن را از محکم‌ترین دلایل امامت بلافصل علی(ع) می‌داند.[۶] در این مورد همچنین از اسحق‌بن‌احمد سجستانی (زنده تا سال

۱ احمدبن‌حنبل [بی‌تا]، *مسند احمدبن‌حنبل*، ج۲، بیروت: دار صادر، ص۶۳۸؛ عبدالملک‌بن‌هشام (۱۳۸۳ق)، *السیرة النبویة*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، ج۲، قاهره: مکتبة محمدعلی صبیح و اولاده، ص۳۵۱.

۲ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۱۵۰.

۳ یحیی‌بن‌حسین هادی الی الحق (۱۴۱۹ق)، *تثبیت الامامة*، بیروت: دار الامام السجاد(ع)، ص۲۰.

۴ محمدبن‌سلیمان کوفی (۱۴۱۲ق)، *مناقب الامام امیرالمومنین(ع)*، تحقیق محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، ج ۱، صص۱۱۸-۱۱۹، ج ۲، ص۴۳۷.

۵ نک: سیدعلی موسوی‌نژاد و وصال حسین‌اف (۱۳۹۰)، «غدیر در منابع زیدیه»، *سخن تاریخ*، ش ۱۳، صص۳۷-۷۸.

۶ نعمان‌بن‌محمد قاضی نعمان (۱۳۸۳ق)، *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف‌بن‌علی اصغر فیضی، ج۱، قاهره: دار المعارف، صص۱۵-۱۶؛ نعمان‌بن‌محمد قاضی نعمان (۱۴۱۴ق)، *شرح الاخبار*، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، ج۱، قم: نشر اسلامی، صص۹۹-۱۰۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

۳۶۱ق.)،[۱] ناصر خسرو (وفات ۴۸۱ق.)[۲] و غیره نیز می‌توان نام برد.

۷.۲. نسبت دادن آموزش پیامبر توسط سلمان به ضحاک

ماسینیون به اشتباه این نکته را به ضحاک‌بن‌مزاحم نسبت می‌دهد که او معتقد بود سلمان به پیامبر(ص) اطلاع داده است که تعالیم نازل شده بر او قبلاً در کتب دیگر آسمانی نیز وجود داشته است و مراد از شخص عجمی در آیه «بیقین می‌دانیم که آنان می‌گویند این (*قرآن*) را تنها بشری به او می‌آموزد. در حالی که زبان کسی که به او نسبت می‌دهند عجمی است و این (*قرآن*) به زبان عربی روشن است» سلمان فارسی است.[۳] مرجع ماسینیون در این ادعا تفسیر طبری است. اما در واقع ضحاک در توضیح آیه می‌گفت که برخی می‌گفتند سلمان به پیامبر(ص) آموزش می‌دهد. یعنی خود ضحاک بر این باور نبود. این مسئله در گزارش طبری به‌طور صریح ذکر شده است: «عبیدبن‌سلیمان گفت از ضحاک شنیدم که می‌گفت (برخی) می‌گفتند سلمان فارسی به او تعلیم می‌دهد».[۴]

۸.۲. رویکرد محوری به تصوف غالی

ماسینیون در آثار خود به فرق صوفی و غالی خیلی توجه دارد. این مسئله از روحیه معنوی و میل به مسائل فوق بشری او نشئت می‌گیرد و همچنین تا حدودی به مسیحی بودن او که بیشتر به آخرت توجه دارد تا دنیا، برمی‌گردد. گرچه شاید ماسینیون به تفاوت‌های تصوف اسلامی با تصوف مسیحیت توجه داشته و آن را نوعی فداکاری و از خود گذشتگی همراه با تلاش و مبارزه دانسته است. چون حلاج را عارف وارسته‌ای معرفی می‌کند که بر خلاف عادات صوفیان، به اندرز مردم می‌پرداخت و صوفیان ریاکار زمان خود را رسوا می‌ساخت.[۵] به عقیده ماسینیون، حلاج تا هنگام مرگ پیرو اخلاق و متمسک به فرایض بود، مشیت خداوندی را عین صواب می‌دانست و به آن گردن می‌نهاد.[۶]

---

۱ اسحق‌بن‌محمد سجستانی (۲۰۰۰)، *الافتخار*، تحقیق اسماعیل قربان حسین پونا والا، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ص۲۳۴.

۲ ابومعین الدین ناصر خسرو (۱۳۶۳)، *جامع الحکمتین*، به اهتمام محمد معین و هانری کربن، تهران: کتابخانه طهوری، ص۱۷۴.

۳ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۱۲۶-۱۲۷.

۴ محمدبن‌جریر طبری (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ج۱۴، بیروت: دار المعرفة، ص۱۲۰.

۵ ماسینیون، *قوس زندگی منصور حلاج*، صص۲۸-۲۹.

۶ همان، ص۴۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

۳. بررسی و تحلیل روشی و ساختاری آثار ماسینیون

ویژگی‌های روشی و ساختاری آثار علمی از اهمیت بالایی برخوردار است. مطالب هرچند سودمند باشند، اگر با روش‌های علمی و در ساختار مناسب طرح نگردند، ارزش علمی نخواهند داشت. در این جا مطالعات شیعی ماسینیون از جهت روشی و ساختاری بررسی خواهد شد.

۳. ۱. استفاده از روش‌های برون‌دینی و پدیدارشناسی

ماسینیون همچون دیگر مستشرقان در پژوهش‌های دینی و اعتقادی مورد بحث خود به روش برون‌دینی عمل کرده است، نه به روش درون‌دینی که معمولاً پیروان آن دین با پیش‌فرض گرفتن خیلی از باورها به پژوهش مشغول می‌شوند. ویژگی این گونه پژوهش‌ها آن است که نه تنها برای معتقدان دین و مذهب خاص، بلکه برای همه خوانندگان دیندار و ملحد سودمند است.[۱] اگرچه این سخن بدان معنی نیست که ماسینیون هیچ توجهی به آموزه‌های اسلام نداشته است، بلکه در موارد زیادی از آیات قرآنی شاهد آورده و می‌توان گفت آنها را قطعی و مسلم گرفته است. به‌عنوان مثال، در مورد مباهله رسول خدا(ص) با مسیحیان نجران معتقد است که این پیشنهاد مبتنی بر نزول فوری آیه ۵۴ سوره آل‌عمران بود.[۲]

ماسینیون در مطالعات شیعی خود غالباً روش پدیدارشناسی[۳] را به کار برده و سعی کرده است مسائل را همانطور که هستند بشناسد و ماهیت پدیده‌ها و نگرش‌ها را توصیف کند، نه اینکه آنها را حاصل فرایندهای طبیعی و تاریخی قلمداد نماید و یا به باورهای دینی بپردازد.[۴] با توجه به تحقیقات ماسینیون کاملاً مشهود است که او بی‌طرفی محققانه خود را حفظ می‌کند و از باورهای اسلامی اثر نمی‌پذیرد و ساختگی بودن آنها را مسلم فرض نمی‌نماید. شاهد گویا در این مورد پژوهش درباره مباهله پیامبر اسلام با مسیحیان است که در کتاب *مباهله در مدینه* نمی‌توان از کیش نویسنده آگاه شد.

اما با این حال، در برخی موارد ماسینیون رویکرد نادرستی دارد که بینش او نسبت به امامت

---

۱ برای اطلاع بیشتر از این روش، نک: عبدالله محمدی و عبدالحسین محمدی (۱۳۸۶)، «پژوهش‌پژوهی: روش‌شناسی جریان‌های دین‌پژوهی»، *پژوهش و حوزه*، ش ۳۰ و ۳۱، صص۵۴-۱۰۳؛ سید محمدحسین علوی (۱۳۸۵)، «روش‌شناسی علم کلام»، *معارف عقلی*، ش ۳، صص۹۱-۱۱۴.

۲ ماسینیون، *مباهله در مدینه*، ص۸۱.

3 Phenomenology.

۴ برای آگاهی در زمینه پدیدارشناسی در مطالعات شیعی نک: محمدرضا بارانی (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، «کاربست روش پدیدارشناسی در مطالعات شیعی غربیان»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام*، س۴، ش۷، صص۵۷-۸۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

شیعه از نمونه‌های مهم این برداشت است. او مفهوم امامت را نه در خاستگاه خود و از دیدگاه شیعیان، بلکه در روند تاریخی جستجو کرده و در نتیجه سرچشمه الهی و وحیانی آن را انکار نموده است و آن را حاصل محبت و عدالتجویی برخی یاران رسول خدا(ص) می‌داند. به باور ماسینیون، خود علی(ع) نیز امامت را حق الهی خود نمی‌دانست.[۱]

۲.۳. تنوع محورهای مطالعاتی

موضوعات پژوهشی ماسینیون از اهمیت بیشتری برخوردار است و می‌توان گفت همگی موضوعات وی بکر و کار نشده بوده و هم از نظر مسلمانان و هم غربیان بسیار قابل توجه است. محورهای مطالعاتی او در تشیع از تنوع جالبی برخوردار است. او از میان شخصیت‌های شیعی به فاطمه زهرا(س) (یادداشت‌های نامبرده)، سلمان (کتاب *سلمان پاک*)، حلاج (رساله دکتری و چند کتاب در این مورد)، نوبختی (مقاله نوبختی) و غیره؛ از میان فرقه‌های شیعی به اسماعیلیه (مقاله اسماعیلیه)، نصیریه (مقاله نصیریه)، عرفان و تصوف (کتاب *اسلام و تصوف*، کتاب *مبادی واژه‌نامه خاص عرفان اسلامی*) و غیره؛ از میان مراکز شیعی به کوفه (کتاب *جغرافیای تاریخی کوفه*) و بغداد (کتاب *نسخه‌های خطی بغداد*) و از میان دولت‌های شیعی به قرامطه (مقاله قرامطه) پرداخته است. علت انتخاب موضوعات نامبرده شاید این باشد که او از جوانی با کوفه، بغداد و شهرک سلمان پاک آشنا بوده، در عراق اقامت داشته و همچنین حالات درونی‌اش او را به موضوعات عرفانی، معنوی و فرقه‌های باطنی سوق داده است.

۳. ۳. غنای منابع و مآخذ

کارهای پژوهشی ماسینیون به منابع مهم دست اول اعتماد می‌کند. این مسئله را حتی از آن دسته از مطالب اندکی که مراجع آنها ذکر نشده نیز می‌توان دریافت. البته ماسینیون همانند بسیاری از مستشرقان از تحقیقات پژوهشگران دیگر، به‌ویژه مستشرقان نیز استفاده کرده است. در این مورد می‌توان از ولهاوزن، گلدزیهر، کتانی، محمد حسین هیکل، ایوناف، لامنس و دیگران نام برد.

منابع مورد استفاده ماسینیون نیز تنوع جالبی دارد: منابع تاریخ عمومی همانند *تاریخ طبری*، *مروج الذهب* و غیره؛ منابع حدیثی همانند *الکافی*، *صحیح مسلم* و غیره؛ منابع تفسیری همانند

۱ ماسینیون، *سلمان پاک*، صص ۱۵۰-۱۵۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

الکشاف، *مجمع البیان* و غیره؛ منابع جغرافیایی همانند *معجم البلدان*، *احسن التقاسیم* و غیره؛ منابع رجالی همانند *رجال کشی*، *الاصابة* و غیره؛ منابع اختصاصی فرقه‌ها همانند *رسائل اخوان الصفا*، *فرق الشیعه* و غیره؛ تحقیقات مستشرقان همانند *اثنی عشریه* از اشتروتمان، *اسماعیلیان* از ایوانف و غیره و منابع و مآخذ دیگر.

ماسینیون در مطالعات شیعی خود از منابع فرقه‌های مختلف شیعه و سنی از جمله زیدیه، اسماعیلیه، نصیریه، مرجئه و ... استفاده کرده، به بررسی تطبیقی گزارش‌ها پرداخته و در عین حال به ضدشیعی بودن برخی منابع توجه کامل داشته است. به عقیده برنارد لوئیس، او اولین کسی بود که بر اهمیت ادبیات شیعیان دوازده امامی راجع به تاریخ اسماعیلیان و خصوصاً زندگی‌نامه عبد الله‌بن‌میمون تأکید کرد.[۱] استفاده از منابع خارجی و غیراسلامی در حل تناقض گزارش‌های منابع اسلامی یکی از روش‌هایی است که مورد توجه ماسینیون بوده است. او معتقد بود که تاریخ قرن اول هجری هنوز کاملاً شناخته نیست و به دلیل نبودن مآخذ خارجی مستقل، حل تناقض‌های آن دوره، به ویژه سال‌های ۳۶–۳۷ق. دشوار است.[۲]

۳. ۴. مستند ساختن مطالب

به‌رغم آنکه در اوایل قرن بیستم روش‌های علمی به صورت امروزی پیشرفت نکرده بود، اما کار ماسینیون در مستند ساختن مطالب ستودنی است. او در کتابهای *مصائب حلاج* و *مباهله در مدینه* مآخذ مطالب استفاده شده را به‌طور کامل ذکر کرده و همه را با دقت مستند نموده است. کتاب *سلمان پاک* اگرچه نه به طور کامل، ولی دارای منابع و مآخذ مهمی است. او در کتاب *قوس زندگی منصور حلاج* که قسمتی از رساله دکتری او و کتاب *مصائب حلاج* است، به هیچ منبعی ارجاع نداده است. اگر چاپ این کتاب توسط خود ماسینیون ثابت شود، احتمال دارد که او به دلیل اختصار از این کار خودداری کرده است. چون این کتاب حاوی خلاصه زندگانی حلاج است که از رساله دکتری گرفته شده و در اصل خود کاملاً مستند است.

۵.۳. رویکرد بینارشته‌ای در پژوهش

ماسینیون در لابه‌لای تحقیقات خود رویکرد بینارشته‌ای را به کار برده و جهت پرثمر کردن کارهای علمی‌اش از دستاوردهای علوم دیگر استفاده کرده است. همانطور که از نام کتاب *قوس*

---

۱ برنارد لویس (۱۳۶۳)، «پیدایش اسماعیلیه»، *مجموعه اسماعیلیان در تاریخ*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: مولی، ص۷۵.

۲ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۷۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

زندگی منصور حلاج نمایان است، در این کتاب از مباحث روان‌شناسی شخصیت بهره برده شده و با توجه به نوسانات زندگی حلاج منحنی زندگی او ترسیم شده است. ماسینیون شیوه‌ای را که در این باره به کار برده، به گالتون نسبت داده است.[۱] او در موارد دیگر از دستاوردهای سکه‌شناسی[۲]، زبان‌شناسی (اسامی اشخاص، اقوام و اماکن)[۳] و علم لغت (ریشه واژه‌های مباهله و ملاعنه)[۴] بهره برده است. همچنین به علوم مختلف قرآنی، از جمله مکی یا مدنی بودن آیات[۵] و قرائت‌های مختلف[۶] توجه داشته است.

اگرچه بررسی‌های سندی روایات و گزارش‌های تاریخی برخی پژوهش‌های مستشرقان اندک است، ولی ماسینیون در مواردی توجه کرده و به‌درستی و نادرستی گزارش‌ها پرداخته است. او در تحقیق خود درباره مباهله، بخشی را به بررسی اسناد روایی- تاریخی مباهله اختصاص داده و سعی کرده است همه راویان روایات مسند مباهله را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهد. او در مورد حدیث «سلمان منا اهل البیت» و دیگر گزارش‌های مربوط به سلمان نیز به بحث‌های سندی پرداخته است.[۷]

او در این کار با توجه به نهایت سلسله راویان، روایات زیاد در منابع مختلف را به چند مورد مرجع اصلی بازگردانده و با در نظر گرفتن مذهب، گرایش‌ها، محل زندگی، اغراض سیاسی، قبایل و پیمان‌های قبیله‌ای و دیگر ویژگی‌های راویان را مورد مطالعه قرار داده و احیاناً به جرح و تعدیل قدما توجه نموده است. همچنین لازم به ذکر است که ماسینیون در تحقیقات خود به توزیع جغرافیایی احادیث بین مکتب‌های مدینه، عراق و شام که قبل از او جزو روش‌های ولهاوزن و گلدزیهر نیز بوده، پرداخته است. البته او ترجیح داده که مکتب‌های کوفه و بصره را به طور جداگانه بررسی کند و علاوه بر توزیع جغرافیایی، به توزیع سیاسی و فرقه‌ای احادیث نیز توجه داشته باشد.[۸]

---

۱ ماسینیون، *قوس زندگی منصور حلاج*، صص۱۵-۱۷.
۲ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۷۰.
۳ همان، ص۷۹.
۴ ماسینیون، *مباهله در مدینه*، ص۶۷.
۵ ماسینیون، *سلمان پاک*، ص۱۲۷.
۶ همان، ص۱۳۹.
۷ همان، صص۹۵-۹۸، ۱۱۳-۱۱۴.
۸ همان، صص۷۲-۷۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

۳. ۶. گریز از پیش‌داوری

تأثیرپذیری ماسینیون از گرایش‌های صوفیانه و بلکه باید گفت گرایش‌های صوفیانه خود او مسئله‌ای است که از موضوعات تحقیقی‌اش نمایان است. اما با این حال، در خور توجه است که او عقاید فرق غالی را به‌طور جداگانه ذکر کرده و با این کار به تمییز بین شیعه و غالیان اهتمام ورزیده است.

ماسینیون در تحقیقات خود تعصبات مذهبی و مسیحی خویش را نیز دخالت نداده است. بی‌طرفی او در بررسی‌ها و داوری‌های علمی در آن زمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و به تحقیقاتش عینیت بخشیده است. او در توضیح قرارداد بین پیامبر اسلام(ص) و مسیحیان نجران، این قرارداد را نخستین امتیاز برای مسیحیان تلقی نموده و حمایت دولت اسلامی از مسیحیان، تضمین جان، مال و آزادی در اجرای مراسم مذهبی و معاف بودن مقامات دینی مسیحی از هر گونه مالیات، جزیه، خراج و خدمت نظامی را (البته به شرط ترک معاملات ربوی) به‌طور برجسته نشان داده است.[۱] ماسینیون حتی کوشش نویسندگان مسیحی در دوره عباسیان برای دستکاری متن اصلی این قرارداد تاریخی و افزودن خواسته‌های خود بر آن را نیز ذکر می‌کند و توضیح آن را به مقاله مستقل خود در نشریه *زندگی و اندیشه* ارجاع می‌دهد.[۲]

۳. ۷. گزینشی عمل کردن درپژوهش

رویکرد ماسینیون به تشیع در پژوهش‌های خود رویکردی عرفانی- صوفی است. او حتی به قیمت گزینشی عمل کردن در تحقیقات هم که باشد، به هیچ وجه حاضر نیست از این رویکرد دست بردارد. او که در پژوهش به‌راحتی از تعصبات مذهبی‌اش چشم پوشیده، نتوانسته است تعصبات علمی و دلبستگی‌های خود نسبت به قهرمانانش، به‌ویژه حلاج را کنار بگذارد. این کار را مبالغات علمی هم می‌توان نام نهاد. همانطور که شریعتی، یکی از شاگردان و ارادتمندان او هم می‌گوید: «ماسینیون مردی سخت تند و عصبی بود، از زیبایی چنان به هیجان می‌آمد که بی‌طاقت می‌گشت... از مبالغه به‌دور نبود، هر چیزی را یا زیباتر از آنچه هست و یا زشت‌تر از آنچه هست می‌دید».[۳]

---

۱ ماسینیون، *مباهله در مدینه*، صص۷۲، ۸۱-۸۲.

۲ همان، ص۷۲.

۳ شریعتی، *مجموعه آثار*، ج۱۳، ص۳۵۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

از همین مبالغات، یا ارادت و تعصب او نسبت به حلاج و تصوف است کـه حسـین‌بـن‌روح نوبختی، نایب سوم امام دوازدهم و یکی از مخالفان حلاج را بـدون ارائـه دلیـل یـا شـاهدی، از جمله استادان فن نیرنگ و مکر معرفی می‌کند.[۱] او درباره ابوسهل نوبختی نیـز معتقـد بـود کـه طبعی متکبر داشت، به اصل و نسب و قدرت خود سخت مغرور بود و شتابان از کسـانی کـه او را سرزنش یا هجو می‌کردند، انتقام می‌گرفت.[۲] شایان ذکر است کـه دیـدگاه‌هـای ماسـینیون در مورد علمای معاصر حلاج در مقاله‌ای مستقل و به صورت کامل نقد شده است.[۳]

۳. ۸. رویکرد نقادانه

ماسینیون در لابه‌لای آثار خود به نقد برخی اندیشه‌های محققان پرداخته و بـا ایـن کـار جنبـه علمی کارهای پژوهشی خود را پررنگ‌تر کرده است. بارزترین نمونه در این زمینـه نقـد او بـر هرووینز است که در سال ۱۹۲۲م. در رسـاله‌ای مـوجز و بسـیار تنـد کوشـید خرافـه‌ای بـودن شخصیت سلمان را اثبات کند. به نظر او، نام سلمان ابتدا در فهرست‌های اسـلام‌آورنـدگان اهـل کتاب به میان آمد، سپس به‌گونه‌ای مبهم به یک ایرانی نسبت داده شد و بـرای آراسـتن جنـگ خندق به‌کار رفت. ماسینیون در کتاب *سلمان پاک* به توضیح و نقد ایـن دیـدگاه پرداختـه و بـا استفاده از روش‌هایی که ذکر شد، همچنین با اعتراف به وجود برخی گزارش‌هـای نادرسـت در مورد سلمان، شخصیت و سیره او را اثبات کرده است.[۴]

یکی از نقدهای ماسینیون مربوط به لامنس، مستشرق معروف و مغرضی است که در طعـن و تخریب چهره اهل بیت شهرت دارد. او روایات فراوان پیامبر(ص) در فضایل علـی(ع) را قبـول داشته و اعتراضات لامنس را در این مورد بی‌پایه دانسته است.[۵]

در هر حال، در مجموع روشمندی ماسینیون در کارهـای پژوهشـی خـود برجسـته اسـت. همچنین قابل توجه است که او در اول کتـاب *مباهلـه در مدینـه* بـه پیشـینه تـاریخی مباهلـه پرداخته و واژه مباهله را توضیح داده است. همو در سرآغاز کتاب *سلمان پاک* در بخشی به نـام «چگونه باید سلمان را مطالعه کرد؟» به تبیین روش‌های خود پرداخته است.

---

۱ همان، ج۱۳، ص۵۶.

۲ لوئی ماسینیون (۱۳۶۲)، *مصائب حلاج*، ترجمهٔ سید ضیاءالدین دهشیری، ج۱، ایران، بنیاد علوم اسلامی، ص۱۶۰.

۳ طاهره عظیم‌زاده (۱۳۸۸)، «لویی ماسینیون و علمای امامیه معاصر حلاج»، *مجموعـه تشـیع و خاورشناسـان*، بـه کوشـش محمدرضا بارانی، ج۵، قم: خاکریز، صص۷۱-۹۸.

۴ ماسینیون، *سلمان پاک*، صص۷۸-۱۴۵.

۵ همان، ص۱۵۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

نتیجه‌گیری

لویی ماسینیون از بزرگترین خاورشناسان فرانسوی است که در زندگانی خود ارتباط نزدیکی با مسلمانان داشته و استاد برخی از دانشمندان برجسته مسلمان بوده است و به‌عنوان فردی انسان‌دوست و دلسوز برای تأمین زندگی مسالمت‌آمیز بین پیروان ادیان مختلف، در جهت اتحاد مسلمانان و به‌خاطر حمایت از مظلومان و مستضعفان، به‌ویژه مبارزان مسلمان علیه استعمار سعی فراوان داشت. او در اوایل زندگی علمی خود به صیهونیسم گرایش داشته ولی بعدها با آشکار شدن جنایات صیهونیستها به شدت مخالف اسرائیل بوده و حتی برای دفاع از مسلمانان مظلوم الجزایر با دولت خود یعنی فرانسه نیز به مخالفت برخاسته است. این رویکرد سیاسی ماسینیون شاید برخاسته از همان دلسوزی و انسان‌دوستی او باشد.

ماسینیون بسیاری از پژوهش‌های خود را به تاریخ تشیع اختصاص داده و روش‌های علمی او بیشتر برون‌دینی، پدیدارشناسانه و بینارشته‌ای بوده، از منابع مهم متقدم بهره برده، درستی و نادرستی منابع و گزارش‌ها را با رویکرد انتقادی بررسی نموده است. با وجود این رویکرد در برخی مسائل مانند جانشینی رسول خدا(ص)، حدیث غدیر، معنی کلمه مولی، مؤاخات علی(ع) با پیامبر اسلام(ص) و عقیده امامت در زیدیه و اسماعیلیه دچار اشتباه علمی شده است. رویکرد او در تحقیقات شیعی رویکرد عرفانی- صوفی است که این امر او را به گزینشی عمل کردن واداشته و موجب دفاع بی‌مورد از برخی قهرمانانش شده است. به نظر می‌رسد روش پدیدارشناسانه، همگرایی او با مسلمانان و برخی دیدگاه‌های او در زمینه امامت شیعه و امام علی(ع) به گونه‌ای در راستای تقویت اندیشه و رویکرد درون‌گرایی و دوری از جنبش در بین شیعیان بوده است.

منابع و مآخذ

- *قرآن کریم*.
- ابن‌حنبل، احمد [بی‌تا]، *مسند احمدبن‌حنبل*، بیروت: دار صادر.
- ابن‌سعد، محمد [بی‌تا]، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر.
- ابن‌ماجه، محمدبن‌یزید (۱۴۰۳ق)، *سنن ابن ماجه*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌هشام، عبدالملک (۱۳۸۳ق)، *السیرة النبویة*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، قاهره: مکتبة محمدعلی صبیح و اولاده.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

- بخاری، محمدبن‌اسماعیل (۱۴۰۱ق)، *صحیح البخاری*، بیروت: دار الفکر.
- بدوی، عبدالرحمن (۲۰۰۳)، *موسوعة المستشرقین*، بیروت: المؤسسة العربیة.
- بلاذری، احمدبن‌یحیی (۱۴۱۷ق)، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
- ترمذی، محمدبن‌عیسی (۱۴۰۳ق)، *سنن الترمذی*، تحقیق عبدالرحمن محمدعثمان، بیروت: دارالفکر.
- دسوقی، محمد (۱۳۷۶)، *سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه خاورشناسی*، ترجمهٔ محمود رضا افتخارزاده، تهران: هزاران.
- رسی، قاسم‌بن‌ابراهیم (۱۴۲۳ق)، *الکامل المنیر فی اثبات ولایت امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی طالب(ع)*، تحقیق عبدالولی یحیی الهادی، بیروت: [بی‌نا].
- سیدرضی، محمد (۱۴۱۹ق)، *نهج البلاغه*، ایران: ستاره.
- سجستانی، اسحق‌بن‌محمد (۲۰۰۰)، *الافتخار*، تحقیق اسماعیل قربان حسین پونا والا، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- سید مرتضی، علی‌بن‌حسین (۱۴۰۵ق)، *رسائل المرتضی*، قم: دار القرآن الکریم.
- شریعتی، علی(۱۳۸۲)، *زن*، تهران: چاپخش.
- ----(۱۳۸۵)، *مجموعه آثار*، تهران: چاپخش.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله(۱۳۷۵)، *پاسخ ده پرسش*، قم: حضرت معصومه.
- صدوق، محمدبن‌علی‌بن‌حسین‌بن‌بابویه (۱۴۱۷ق)، *الامالی*، قم: مؤسسة البعثة.
- طبری، محمدبن‌جریر(۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.
- عظیم‌زاده، طاهره (۱۳۸۸)، «لویی ماسینیون و علمای امامیه معاصر حلاج»، *مجموعه تشیع و خاورشناسان*، به کوشش محمدرضا بارانی، قم: خاکریز.
- عقیقی، نجیب [بی‌تا]، *المستشرقون*، قاهره: دار المعارف.
- علوی، سید محمدحسین (۱۳۸۵)، «روش‌شناسی علم کلام»، *معارف عقلی*، ش ۳.
- قاضی نعمان، نعمان‌بن‌محمد (۱۳۸۳ق)، *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف‌بن‌علی اصغر فیضی، قاهره: دار المعارف.
- ------(۱۴۱۴ق)، *شرح الاخبار*، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، قم: نشر اسلامی.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۶۳)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کوفی، محمدبن‌سلیمان (۱۴۱۲ق)، *مناقب الامام امیرالمومنین(ع)*، تحقیق محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
- لویس، برنارد (۱۳۶۳)، «پیدایش اسماعیلیه»، *مجموعه اسماعیلیان در تاریخ*، ترجمهٔیعقوب آژند، تهران: مولی.
- ماسینیون، لوئی [بی‌تا]، *سلمان پاک*، ترجمهٔ علی شریعتی، مشهد: [بی‌نا].
- ------(۱۳۶۲)، *مصائب حلاج*، ترجمهٔ سید ضیاءالدین دهشیری، ایران، بنیاد علوم اسلامی.
- ------(۱۳۷۸)، *مباهله در مدینه*، ترجمهٔ محمود رضا افتخارزاده، تهران: رسالت قلم.
- ------(۱۳۸۱)، *قوس زندگی منصور حلاج*، ترجمهٔ عبد الغفور روان فرهادی، تهران: عرفان.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]

- ـــــــ(۱۳۹۲)، «نقش فرهنگ ایرانی در شکوفایی تمدن غرب»، ترجمهٔ داریوش شایگان، *مجله بخارا*، ش۹۴.
- متولی، یاسر (۱۳۸۹)، «عرصه‌های عملکرد صهیونیزم بین الملل»، *شمیم معرفت*، ش ۲۵.
- محمدی، عبدالله و خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۶)، «پژوهش‌پژوهی: روش‌شناسی جریان‌های دین‌پژوهی»، *پژوهش و حوزه*، ش ۳۰ و ۳۱.
- مراد، یحیی (۱۴۲۵ق)، *معجم اسماء المستشرقین*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مسلم نیشابوری، مسلم‌بن‌حجاج [بی‌تا]، *صحیح المسلم*، بیروت: دار الفکر.
- معین، محمد(۱۳۷۶)، *فرهنگ فارسی* (متوسط)، تهران: امیر کبیر.
- مفید، محمدبن‌محمد (۱۴۱۴ق)، *أقسام المولی فی اللسان*، تحقیق مهدی نجف، بیروت: دار المفید.
- ـــــــ(۱۳۸۳)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ترجمه و شرح محمد باقر ساعدی خراسانی، ایران: اسلامی.
- *الموسوعة العربیة العالمیة*(۱۴۱۹ق)، ریاض، مؤسسة اعمال الموسوعة.
- موسوی‌نژاد، سیدعلی و حسین‌اف، وصال (۱۳۹۰)، «غدیر در منابع زیدیه»، *سخن تاریخ*، ش ۱۳.
- ناصر خسرو، ابومعین الدین (۱۳۶۳)، *جامع الحکمتین*، به اهتمام محمد معین و هانری کربن، تهران: کتابخانه طهوری.
- هادی الی الحق، یحیی‌بن‌حسین (۱۴۱۹ق)، *تثبیت الامامة*، بیروت: دار الامام السجاد(ع).
- یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب [بی‌تا]، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.
-

- Özemre A. Y. (2004), *Din və Misyonerlik,* Üsküdar, retrieved from: www.ozemre.com.
- Waardenburg J. (?), "Massignon, Louis", *The Encyclopedia of Religion,* New York: Macmillan.
- Massignon L. (March 1921), Lecture "Zionism and Islam", Paris Sociological Society, retrieved from: www.bcrfj.revues.org.
- Mayeres A. (?), *Massignon and Zionism*, Translated by Helga Abraham, retrieved from: www.bcrfj.revues.org.
- Destremau C. & Moncelon J. (2005), Louis Massignon, le "cheikh admirable", Paris, Le Capucin, retrieved from: http://www.weekly.ahram.org.eg.
- Журавский А. А. (1990), *Христианство и ислам: социокультурные проблемы диалога,* retrieved from: www.sfi.ru; www.catholic.uz.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.6.8]